

عدم تعادل

اقتصادی

و

الگوهای رشد

فرهنگ اقتصادی اشتیگر و توماس تعادل را حالتی تعریف می‌کند که در آن هیچ تمایل ذاتی برای تغییر وجود ندارد (لندن - ۱۹۷۶ ص ۱۲۰). آشکار است که تعریف فوق بیان ایستای (استاتیک) مسئله است، یعنی تعادل، بدون در نظر گرفتن عامل زمان، مطرح شده است با وجود این، تعادل نظام اقتصادی همچون تعادل دوچرخه‌سوار است؛ حرکت هماهنگ و منظم همراه با اجزایی متقابلاً در ارتباط و تغییر. از تعریف تعادل می‌توان مفهوم عدم تعادل را دریافت، عدم تعادل به کوتاهترین بیان بهم خوردن تساوی نسبت‌هاست. در چهارچوب اقتصاد ملی، عدم تعادل به صورت عدم تساوی عرضه کل و تقاضای کل تجلی می‌کند. در این باره که علت عدم تعادل اقتصادی چیست، بسیاری از اقتصاددانان اظهار نظر کرده‌اند، که برخی از آنان عبارتند از: مالتوس، سیسموندی، مارکس و کینز. عدم تعادل اقتصادی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، ویژگیها و علل خاص خود را دارد، و آنچه متناوباً در این کشورها بحرانهای اقتصادی را موجب می‌شود (مثلاً) فقدان تقاضای موثر، افزایش ترکیب آلی سرمایه یا هر علت دیگری) علت عدم تعادل اقتصادی در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه نیست. به سبب ساختار وابسته اقتصادی، علت عدم تعادل در این گروه کشورها را باید در ادغام اقتصاد آنها در نظام بازار جهانی یافت، که در کشورهای فوق تحولاتی بنیادین

☆ پرویز صداقت

پدید آورده است، از سویی ساختار اقتصاد داخلی دستخوش تغییر شکل شده و پیکره‌بندی طبقاتی ویژه‌ای پدیدار گشته که ما از آن به عنوان لمپنیسم طبقاتی نام می‌بریم (قابل مقایسه با مفهوم بورژوازی لمپن فرانک و پیروان آموزه^۱ وابستگی) و از سوی دیگر بخش بازرگانی - خارجی اهمیتی ویژه پیدا کرده* ، این بخش همچون وسیله‌ای برای انتقال عدم تعادل اقتصادی از کشورهای توسعه‌یافته رفتار می‌کند.

بحث کوتاه‌ذیل ، برخی روشهای ورود بحران به این کشورها را ، با توجه به الگوهای رشد پذیرفته‌وبه‌کار بسته شده بررسی می‌کند . مهمترین این الگوها عبارتند از : الگوی اتکا به مواد خام صادراتی ، الگوی جایگزینی واردات و الگوی جهت‌گیری صادراتی** .

۱- الگوی اتکا به مواد خام صادراتی

در این الگوها تأکید بر یک (یا چند) ماده خام صادراتی برای رشد و برانگیختن اقتصاد داخلی و تأمین ارز خارجی است . به دلیل اینکه منبع تأمین ارز خارجی عمدتاً یک ماده خام صادراتی است ، و این گونه

مواد خام از کشتش درآمدی کمتر از یک برخوردارند (یعنی با آهنگی کمتر از رشد درآمد ، تقاضا اضافه می‌شود) افزایش درآمد ملی در کشورهای واردکننده^۲ این کالاها ، افزایش برابروود مواد خام را به همراه نداشته ، و به طریقی ، افزایش و رشد برابر درآمد ملی کشورهای صادرکننده را همراه ندارد . از آنجا که اقتصاد ملی از توانایی تولید متنوع برای تأمین عرضه داخلی برخوردار نیست ، خواه ناخواه متکی بر واردات خارجی می‌شود . به این ترتیب ، از دو سو ، بروز عدم تعادل امکان‌پذیر می‌شود ، از یک سو ، از آنجایی که واردات از خارج منبع اصلی برای تأمین عرضه داخلی است ، این واردات می‌تواند بحران ، رکود و تورم خارجی را نیز به اقتصاد ملی منتقل کند . (البته در یک بنیان اقتصادی سالم نیز چنین مسئله‌ای مصداق دارد ، اما در اینجا شدت گرفته ، و عاملی شدیداً تعیین‌کننده می‌شود) از سوی دیگر ، هرگونه اختلال در روند صادرات ، تمامی ساختار اقتصادی را به زیر سؤال می‌برد ، زیرا اولاً با توجه به تلاش برای جستجو و یافتن مواد جانشین برای کالاهای اولیه و خام در غرب ، و ثانیاً با توجه

* - تقسیم‌بندی فوق ، صرفاً برای سهولت تحلیل انجام شده است .

** - برای مطالعه بیشتر در زمینه الگوهای رشد مراجعه شود به :

۱ - مایکل تودارو ، توسعه اقتصادی در جهان سوم ، ترجمه غلامعلی فرجادی و

حمید سهرابی (وزارت برنامه - ۱۳۶۵) فصل سیزدهم

۲ - جرالدمیر ، مقالات راهنما در توسعه اقتصادی ، چاپ سوم (دانشگاه آکسفورد

- ۱۹۷۶) فصل یازدهم (به زبان انگلیسی) .

به اینکه آهنگ رشد تقاضا برای این کالاها نازلتر از آهنگ رشد اقتصادی صنعتی غرب هستند، رشد صادرات (و عرضه کل و درآمد ملی) کشورهای کمتر توسعه یافته از رشد تقاضای داخلی با توجه به آهنگ رشد جمعیت، افزایش سطح مصرف و... عقب مانده، و آن گاه عدم تعادل اقتصادی، یعنی در اینجا کاستی عرضه نسبت به تقاضا بوجود می آید.

۲- الگوی جایگزینی واردات

در این الگوی رشد، اقتصاد به ساخت برخی کالاها مشغول می شود که پیشتر جزئی از واردات کشور بوده اند. این الگو در جهت استمرار وابستگی گام برمی دارد، و تنها بدان شکلی پیچیده تر می دهد، اغلب کشورهای کمتر توسعه یافته که این خط مشی را برگزیدند، با گذشت سالها هنوز نیازمند قطعات، لوازم یدکی و کالاهای سرمایه ای خارجی هستند. البته با این الگو، وابستگی شکلی پیچیده تر از الگوی پیشین به خود می گیرد، زیرا ظاهراً اکنون این اقتصاد ملی است که به تولید بسیاری کالاهای مصرفی داخلی مشغول است. مسئله، تأمین مالی پروژه های تولیدی جایگزین واردات نیز وابستگی زاست. از نظر مالی این پروژه ها چگونه تأمین شوند؟ ممکن است یک منبع مهم داخلی برای تأمین ارز خارجی وجود داشته باشد، بنابراین تا حدودی این مشکل حل شده است، اما اگر از چنین منبعی برخوردار نباشند (همچنان که معمولاً وضعیت بدین قرار است)

دوره پیش روی دارد، یا سرمایه گذاری مستقیم شرکت خارجی، و یا استقراض از خارج، که در هر دو مورد مشکل وابستگی و در مورد استقراض، وابستگی مالی، اوج می گیرد و شدت پدید می کند. به دلایل فوق، در این کشورها نیز عدم تعادل اقتصادی را بایستی در بستر وابستگی مشاهده و تجزیه و تحلیل کرد، و طریقه انتقال نوسانات در اقتصاد بین الملل به اقتصاد داخلی، در بطن روابط بازرگانی خارجی نهفته است، که روابط فوق ناشی از الگوهای رشد اقتصاد ملی، می باشد. با چهار چوب کلی که الگوی جایگزینی واردات در آن قرار می گیرد، در این الگوی رشد نیز اقتصاد با خطر عدم تأمین و تکافوی عرضه کل روبرو می شود. گرچه اکنون بخشی از عرضه در داخل کشور تأمین می شود، اما از آنجا که الگوی جایگزینی واردات عمدتاً به کالاهای لوکس مورد تقاضای گروه های درآمدی مرفه پرداخته، تنها می تواند تقاضای این گروه را تأمین کند، و تقاضای کل جامعه هنوز تا حدودی ارضا نشده باقی می ماند. همچنین به این دلیل که قیمت مواد، کالاهای سرمایه ای و یدکی این کارخانجات با شتابی افزونتر از منابع تأمین ارز خارجی کشور توسعه نیافته افزایش می یابد، امکان تأمین عرضه کل داخلی باز هم کمتر می شود، در ضمن در اینجا از طریق واردات عظیم قطعات و لوازم یدکی نوسانات اقتصاد خارجی به داخل منتقل می شود. از اینرو در چنین اقتصادی، به طور بالقوه عدم تعادل

وجود دارد.

۳- الگوی جهت‌گیری صادراتی

این خط مشی در سالهای اخیر شدیداً مورد توجه واقع شده، و گروهی از کشورها از جمله کره، جنوبی، تایوان، سنگاپور، هنگ‌کنگ، مکزیک و برزیل، از این سیاست پیروی می‌کنند. این کشورها، تولید داخلی را به مرحله صادرات رسانده، و آن‌گاه به تسخیر بازارهای صادراتی و تسلط بر آنها می‌پردازند. گرچه روش فوق در کشورهای آسیای جنوب شرقی نسبتاً روشی موفقتر بوده است، اما حتی با الگوی جهت‌گیری صادراتی نیز وابستگی استمرار می‌یابد. نخست، از جهت وابستگی به کالاهای با تکنولوژی بسیار پیشرفته، که باید از کشورهای صنعتی وارد شود، دوم، از جهت وابستگی به بازارهای خارجی برای فروش، سوم، از جهت وابستگی مالی. برای تأمین مخارج پروژه‌های بزرگ، این کشورها نیازمند منابع مالی هستند، و عمدتاً برای تأمین فوق‌به منابع خارجی و بانکهای فراملیتی روی می‌آورند. در این کشورها نیز عدم تعادل اقتصادی در بطن الگوی رشد وجود دارد: نخست، همانند حالت‌های پیشین واردات حیاتی از خارج تسمه انتقال بحران و تورم احتمالی، هستند، دوم، صادرات این کشورها وابسته به بازارهای خارجی است، که عمدتاً در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارند. حال اگر در این کشورها شاهد یک بحران و در پی

آن رکود اقتصادی باشیم، کشورهای کمتر توسعه یافته از دو جهت ضربه می‌بینند، زیرا از یک طرف بازار فروش کالاهای خود را تا حدود زیادی از دست می‌دهند و از طرف دیگر، به جهت وابستگی مالی، اکنون باید نرخ بهره بالاتری برای وامهای دریافتی پرداخت کنند (زیرا در درون رکود نرخهای بهره بالا هستند) و همچنین منبع تأمین مالی بازپرداخت وامهای خارجی (یعنی فروش کالا در بازارهای صادراتی) را از دست داده‌اند. به دلایل فوق رکود عیناً از خارج به داخل منتقل می‌شود، و تأمین تقاضای داخلی را مشکل می‌سازد، زیرا از یک طرف نگاههای غول‌پیکر داخلی صادرکننده کالا ورشکست می‌شوند، و از طرف دیگر، با توجه به مشکل تأمین ارز، واردات کاهش می‌پذیرد. بدین ترتیب عدم تعادل اقتصادی پدیدار می‌شود.

خلاصه و نتیجه‌گیری:

عدم تعادل اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته، برخلاف کشورهای پیشرفته صنعتی، اغلب به شکل کمبود عرضه کل نسبت به تقاضای کل، تجلی می‌کند، که علت آن عرضه بدون کشش یا کم کشش داخلی است، و ریشه در بنیادهای تولیدی این جوامع دارد. گروه کشورهای مختلف توسعه نیافته، هر کدام برای رشد اقتصادی روشهایی مختلف برگزیده‌اند، که هر یک از این روشها، به طور بالقوه، متضمن عدم تعادل اقتصادی است. در

۷۸- مستندسازی اقدامات - اقدامات انجام شده توسط پرسنل اداری پایگاه اطلاعاتی ، استفاده کنندگان از دستگاهها ، اپراتورهای کامپیوترها ، پرسنلهای فنی و تحلیلگران سیستم و برنامه‌ها بایستی به نحوی صحیح مستند گردیده و تدوین گردند . این امر موجب افزایش کارایی در توسعه و پیشرفت و نگهداری و استفاده از سیستمهای کامپیوتری می‌گردد . این امر بخصوص در توسعه سیستمها توسط پرسنل غیر فنی مورد دارد . چنین مستنداتی در مورد کلیه جوانب کنترل داده‌ها و اطلاعات اهمیت داشته و بنابراین همیشه بایستی به روز نگهداری شوند .

۷۹- بیمه - در صورت بروز حوادث غیرمنتظره ، بایستی قادر باشیم که هر سیستم کامپیوتری را بکار اندازیم . انجام چنین کاری بستگی به این دارد که منابع مالی برای تجدید حیات نرم افزارها ، سخت افزارها و مستندات مربوطه در اختیار بوده و دستورالعملهای مختلف را در این حین بتوان بکار گرفت . ضروری است که کامپیوترها فایلها و برنامههای مورد استفاده در سازمان را به نحو صحیح و مقتضی بیمه نمود . بیمه نامه مربوطه در شرایط ایده‌آل بایستی کلیه زیانهای منتخبه از عدم برقراری سیستمهای کامپیوتری به هر دلیل را بپوشاند .



بقیه از صفحه ۵۷

روش اتکا به مواد خام ، به سبب وابستگی اقتصادی به یک کالای کم‌کشش درآمدی ، عوامل گریزناپذیری منجر به این می‌شوند که این منبع تأمین عرضه داخلی (از طریق واردات) از رشد تقاضا عقب بماند . در روش جایگزینی واردات ، کالای عرضه شده ، لوکس و ویژه لایه‌های مرفه درآمدی است ، و نمی‌تواند تکافوی

تقاضای کل جامعه را بکند . در روش جهت‌گیری صادراتی ، هرگونه اختلال در روند صادرات ، اختلال در کل موازنه و تعادل داخلی را به همراه دارد . و در هر سه روش فوق ، وابستگی اقتصاد داخلی به واردات کالا انتقال‌دهنده مستقیم عدم تعادل اقتصادی از خارج به داخل است .

